

## نسبت انسان با قرآن؛ از شنیدن کلام خدا تا ظهور حقیقت در آخرت

### نسبت انسان با قرآن چگونه سرنوشت وجودی او را شکل می‌دهد؟

فرض کنید انسانی در تاریکی راه می‌رود و در دست او چراغی روشن قرار داده‌اند؛ اما او به جای استفاده از نور چراغ، آن را در کیف خود می‌گذارد و مسیر را با حدس، عادت یا نشانه‌های پراکنده طی می‌کند. در چنین وضعی، مسئله فقط این نیست که او چراغی داشته و از آن استفاده نکرده است؛ مسئله این است که رابطه او با راه، خطر، مقصد و حتی با خود چراغ دگرگون شده است. قرآن در زندگی انسان چنین جایگاهی دارد. اگر صرفاً به عنوان کتابی خواندنی یا مجموعه‌ای از آموزه‌ها فهم شود، بخشی از حقیقت آن پنهان می‌ماند. بحث درباره نسبت انسان با قرآن در حقیقت بحث از رابطه انسان با کلام خدا، مسیر خروج از ظلمت، امکان تدبیر، حجیت هدایت الهی و ظهور اخروی این رابطه است.

قرآن در متن دینی، یک نوشتار عادی نیست. قرآن کلام‌الله است؛ یعنی در آن، خداوند با انسان سخن می‌گوید. از این رو مواجهه انسان با قرآن فقط مواجهه با الفاظ یا گزاره‌ها نیست، بلکه مواجهه با خطاب الهی است که می‌خواهد انسان را از تاریکی به روشنایی منتقل کند. آیه شریفه « كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ<sup>۱</sup>» نشان می‌دهد که غایت نزول قرآن صرف اطلاع‌رسانی نیست، بلکه خارج کردن انسان از وضعیت ظلمانی و رساندن او به افق نور است؛ بنابراین قرآن با بودن انسان، انتخاب‌های او و فرجام او ارتباط مستقیم دارد.

### کلام الهی و بنیاد نسبت انسان با قرآن

نخستین اصل در فهم جایگاه قرآن آن است که قرآن سخن خدا با انسان است؛ اگر انسان این اصل را جدی بگیرد، قرائت قرآن به عملی صرفاً زبانی کاهش نمی‌یابد. خواندن قرآن، در این نگاه، نوعی قرار گرفتن در

<sup>۱</sup> آیه ۱ سوره مبارکه ابراهیم

معروض خطاب الهی است. انسان می‌خواند، اما در سطحی عمیق‌تر، خود را مخاطب کلام خدا می‌یابد. تعبیر «قرآن را با صدای خداوند خواندن» به این معناست که انسان قرآن را نه مانند متنی دور از خویش، بلکه مانند وحیی حاضر و متوجه به خود دریافت کند.

بر این اساس، نسبت انسان با قرآن از سطح اطلاع یافتن فراتر می‌رود و به سطح شکل‌گیری وجودی می‌رسد. انسان وقتی آیه‌ای را می‌شنود یا می‌خواند، فقط داده‌ای تازه به ذهن خود نمی‌افزاید؛ بلکه در برابر حقیقتی قرار می‌گیرد که از او موضح می‌خواهد. همین نکته باعث می‌شود قرآن هم راهنما باشد و هم معیار. راهنماست، زیرا مسیر خروج از ظلمت را نشان می‌دهد؛ معیار است، زیرا آشکار می‌کند انسان نسبت به هدایت الهی چه موضعی گرفته است.

از این منظر، تعبیر «ظلمات» در قرآن تنها نادانی نظری نیست. ظلمت می‌تواند غفلت، دل‌بستگی به دنیا، فراموشی آخرت، بی‌توجهی به مسئولیت و دوری از خدا باشد. در مقابل، «نور» نیز صرفاً دانستن چند گزاره دینی نیست؛ نور، روشن شدن مسیر زندگی و پیدا شدن جهت حرکت به سوی خداست. بنابراین قرآن انسان را به اصلاح سطحی رفتار دعوت نمی‌کند، بلکه بنیاد جهت‌گیری ما را تغییر می‌دهد.

### تدبر؛ گذر از خواندن لفظی به دریافت وجودی

در روایت آمده است: «لَا خَيْرَ فِي قِرَاءَةِ لَيْسَ فِيهَا تَدَبُّرٌ»<sup>۲</sup>؛ قرائتی که در آن تدبر نباشد، خیری ندارد. این بیان نشان می‌دهد که ارزش قرائت قرآن فقط به تعداد آیات خوانده‌شده وابسته نیست، بلکه به کیفیت مواجهه انسان با آیات نیز بستگی دارد. تدبر یعنی ایستادن در برابر آیه، پرسیدن از نسبت آن با زندگی و اجازه دادن به کلام الهی برای نفوذ در لایه‌های تصمیم، نیت و عمل.

تدبر، قرآن را از حاشیه زندگی به متن زندگی می‌آورد. انسان ممکن است آیه‌ای درباره آخرت بخواند، اما اگر آن آیه در تصمیم‌های روزمره او اثری نگذارد، فهم او هنوز کامل نشده است. در مقابل، وقتی انسان آیه را

<sup>۲</sup> امام علی علیه‌السلام: أَلَا لَا خَيْرَ فِي قِرَاءَةِ لَيْسَ فِيهَا تَدَبُّرٌ ، أَلَا لَا خَيْرَ فِي عِبَادَةِ لَيْسَ فِيهَا تَفَقُّهُ . بحار الأنوار: ۴/۲۱۱/۹۳.

به عنوان کلام خدا می‌شنود، آن آیه می‌تواند جهت نگاه او را تغییر دهد. چنین تغییری الزاماً پرهیجان یا ناگهانی نیست؛ گاهی به صورت آرام، مستمر و تدریجی رخ می‌دهد. انسان هر روز خود را در آینه قرآن می‌بیند و می‌سنجد که مسیر زندگی‌اش به سوی نور است یا در امتداد تاریکی.

ارتباط با قرآن باید در زندگی عادی انسان جای ثابت داشته باشد و مطابق نظر بزرگان بهتر است که است که هر فرد حداقل روزی پنجاه آیه بخواند و در دست‌کم دو آیه تدبر کند. اگر قرآن کلام خدا و چراغ مسیر است، نمی‌توان آن را تنها به مناسبت‌ها، بحران‌ها یا لحظه‌های احساسی محدود کرد. استمرار در قرائت و تدبر، زمینه‌ای ایجاد می‌کند تا انسان به تدریج با منطق قرآن زندگی کند.

### تدبر، حجیت و نسبت انسان با قرآن در زندگی روزانه

گاهی انسان با یک خواب یا تجربه خاص متوجه حقیقتی می‌شود؛ اما انسان عاقل نباید بیداری خود را معطل چنین رخدادهایی کند. قرآن، کلام روشن خداست و برای کسی که آن را حجت می‌داند، یک آیه می‌تواند از بسیاری تجربه‌های مبهم معتبرتر باشد.

انسان وقتی قرآن را حجت می‌داند، معیار حرکت خود را از امر متغیر، شخصی و نامطمئن به کلام ثابت الهی منتقل می‌کند. چنین انسانی برای باور به آخرت، نیازمند خواب دیدن نیست؛ زیرا خداوند در قرآن از حقیقت آخرت، پاداش صالحان و مقصد ابدی انسان سخن گفته است. آیه « فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ<sup>۳</sup> » نشان می‌دهد که پاداش الهی فراتر از تصور عادی انسان است؛ همچنین فرمان « وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَعْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ<sup>۴</sup> » نشان می‌دهد که شناخت آخرت باید به شتاب در حرکت منجر شود.

بنابراین قرآن فقط گزارشی از آینده نمی‌دهد، بلکه اکنون انسان را به حرکت درمی‌آورد. آیات مربوط به آخرت، اگر درست فهم شوند، نیرویی در جان انسان ایجاد می‌کنند که بر ضعف، سستی و گرفتارشدن در روزمرگی غلبه می‌کند. قدرت روح می‌تواند بر بسیاری از ضعف‌ها و دردها چیره شود و انسان را به سمت

<sup>۳</sup> آیه ۱۷ سوره مبارکه سجده  
<sup>۴</sup> آیه ۱۳۳ سوره مبارکه آل عمران

خدا بالا ببرد؛ البته این سخن نباید روان‌شناسانه و احساسی فهم شود؛ مقصود آن است که وقتی جان انسان به حقیقت الهی متصل شد، بدن و رفتار او نیز از آن جهت می‌پذیرد.

### ظهور اخروی نسبت انسان با قرآن و پیامد فراموشی

قرآن صرفاً متن مکتوب دنیوی نیست، بلکه حقیقتی دارد که در قیامت بر انسان ظاهر می‌شود. این ظهور، نتیجه رابطه دنیوی انسان با قرآن است. هر اندازه انسان در دنیا با قرآن صمیمیت، انس، تدبر و عمل داشته باشد، در آخرت نیز قرآن برای او مایه روشنایی خواهد بود. در مقابل، اگر انسان قرآن را در دنیا فراموش کند، با پیامد این فراموشی روبه‌رو می‌شود.

آیه « قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيَتْهَا ۖ وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى »<sup>۵</sup> دقیقاً همین پیوند را بیان می‌کند. فراموشی در این آیه تنها از یاد بردن ذهنی نیست؛ بلکه بی‌اعتنایی عملی به آیات الهی است. کسی که آیات را می‌شنود اما در ساختار زندگی، انتخاب و مقصد خود جایی برای آنها نمی‌گذارد، در حقیقت قرآن را از حیات وجودی خود کنار گذاشته است. پیامد اخروی این وضعیت آن است که انسان با همان بی‌نسبتی و محرومیتی مواجه می‌شود که خود در دنیا ساخته است.

تاریکی‌های برزخ و آخرت اموری جدا از زندگی دنیا نیستند. انسان مسیر ظلمت یا نور را از همین دنیا آغاز می‌کند. اگر با روشنایی قرآن حرکت کند، آن روشنایی در مراحل بعدی نیز همراه او خواهد بود؛ اما اگر از چراغ الهی روی برگرداند، تاریکی بعدی ادامه همان روی‌گردانی است. پس آخرت فقط محل اعلام نتیجه نیست، بلکه محل ظهور حقیقت رابطه‌ای است که در دنیا شکل گرفته است.

<sup>۵</sup> آیه ۱۲۶ سوره مبارکه طه

## از قرائت روزانه تا شکل‌گیری مسیر وجودی

اکنون می‌توان خط سیر بحث را در زندگی روزمره دید. انسان ابتدا باید قرآن را کلام خدا بداند؛ سپس آن را نه فقط بخواند، بلکه با تدبیر دریافت کند؛ پس از آن، حجیت قرآن را بر معیارهای مبهم و شخصی مقدم بدارد و در نهایت، این ارتباط را به برنامه‌ای مستمر در زندگی تبدیل کند. در این مسیر، قرائت روزانه و تدبیر حداقلی در دو آیه، نماد یک اصل بزرگ‌تر است: انسان باید پیوند خود با کلام خدا را از حالت اتفاقی به حالت پایدار منتقل کند.

این پیوند پایدار، هویت انسان را به تدریج سامان می‌دهد. انسان با هر بار خواندن آیه، در معرض پرسشی بنیادین قرار می‌گیرد: آیا مسیر من با نور قرآن هماهنگ است یا با تاریکی غفلت؟ پاسخ به این پرسش تنها در ذهن داده نمی‌شود؛ در رفتار، اولویت‌ها، نگاه به آخرت و شتاب به سوی مغفرت آشکار می‌شود. از همین رو، قرآن نه فقط کتابی برای دانستن، بلکه حقیقتی برای زیستن و معیاری برای سنجش جهت وجودی انسان است.

قرآن به عنوان کلام خدا، چراغ خروج از ظلمت، رفیق راه انسان، حجت بیداری و حقیقتی دارای ظهور اخروی است. بنابراین مواجهه با قرآن نباید به خواندن لفظی یا دانستن مفهومی محدود شود. انسان باید قرآن را حاضر، خطاب‌گر، راهنما و حجت بداند؛ آن را با تدبیر بخواند؛ از آیات آن برای حرکت به سوی آخرت نیرو بگیرد و بداند که فراموشی قرآن در دنیا، صورتی از محرومیت در آخرت خواهد داشت. در نهایت، آنچه در آخرت آشکار می‌شود امر تازه‌ای نیست، بلکه حقیقت پیوندی است که انسان در دنیا با کلام الهی ساخته است.